

روند شاخص‌های اجتماعی ایران

مسعود صوفي مجیدپور*

اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، 1378) تصویری دلگرم‌کننده از وضعیت نیروی انسانی و برخی شاخص‌های ضمنی اجتماعی ارائه می‌کند. اما به نظر می‌رسد که با گسترش دامنه تعاریف و کاربرد شاخص‌های جدید، این تصویر چندان دلگرم‌کننده نباشد. بی‌تردید ارزیابی دقیق ویژگی‌های انسانی و پتانسیل‌های اجتماعی جامعه بر تعریف جامعه و زیرمجموعه‌های آن، غایت زندگی اجتماعی، تعریف عملکرد نظام اجتماعی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن مبتنی است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از برخی شاخص‌های اجتماعی و استناد به آمار و ارقام رسمی، ابعادی دیگر از کیفیت واقعی زندگی اجتماعی ایران ارزیابی شود. هدف این مقاله به هیچ‌وجه تشکیک در صحت و سقم آمار و ارقام رسمی و قدرت توضیح‌دهندگی شاخص‌های توسعه انسانی نیست تا دستاوردهای اساسی دولت یا

* کارشناس ارشد اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه <masoud-sofi@hotmail.com>

بخش خصوصی را زیر سؤال ببرد . پیام اصلی این مقاله را باید دعوتی به فراختر کردن دامنه شاخص‌های اجتماعی و تلاش در جهت ساخت شاخص‌های ترکیبی دانست.

کلیدواژه‌ها: توسعه انسانی، شاخص‌های اجتماعی، نظام اجتماعی

مقدمه

جامعه مجموعه‌ای است مرکب از سازمان‌ها، نهادها و روابطی که رابطه بین افراد را تنظیم می‌کنند. هدف از زندگی اجتماعی هرچه باشد، به هر حال رضایتمندی افراد از زندگی در جامعه‌ای معین ملاک و معیاری قابل قبول برای اندازه‌گیری عملکرد آن جامعه است. از آنجا که بخشی از این رضایتمندی محصول امکاناتی است که جامعه در اختیار افراد و اعضای خود قرار می‌دهد، منطقی به نظر می‌رسد اگر مجموعه امکانات سخت افزاری و نرم افزاری در اختیار افراد را نیز یکی از ملاک‌های سنجش رضایتمندی افراد جامعه بدانیم. آنگاه با فرض اینکه بین میزان رضایتمندی فردی اعضای جامعه و عملکرد اجتماعی رابطه‌ای مثبت برقرار است،

می‌توانیم امکانات در اختیار افراد را ملاکی برای ارزیابی تقریبی عملکرد اجتماعی تلقی کنیم. چنین تلقی ضمنی‌ای از رفاه اجتماعی، بن‌مایه دیدگاهی نظری است که گزارش توسعه انسانی ایران براساس آن تهیه و تنظیم شده است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا با استفاده از دیدگاه‌های دیگری سواي این دیدگاه تقریباً فایده‌گرایانه نمی‌توانیم درصد ارزیابی عملکرد اجتماعی برآییم؟ به این پرسش شاید بتوان این‌گونه پاسخ داد که به هر حال جامعه یا اجتماع باید شرایطی را فراهم کند که افراد و اعضای آن بتوانند مجموعه تواناییهای خود را از قوه به فعل تبدیل کنند. از طرف دیگر، گذار از جامعه‌ای با افراد بالقوه توانا به جامعه‌ای که افراد آن بتوانند مجموعه تواناییهای خود را در عمل متجلی کنند نیازمند سرمایه‌گذاری‌هایی است عظیم، با این هدف که ضمن حفظ انسجام و قوام جامعه، تک تک افراد بتوانند تواناییهای خویش را جامعه فعلی ت پوشانند و با برخورداری از حداکثر امکانات فردی و جمعی، به کار و تلاش مشغول شوند. چنین گذاری البته چندان آسان نیست، زیرا حداقل در حوزه اقتصاد هنوز اجماع قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که چرا و چگونه توانمندسازی تک تک افراد جامعه به توانمند شدن کل آن جامعه خواهد انجامید.

دیگر آنکه به صرف افزایش درآمد واقعی جامعه - و نه درآمد اسمی آن - نباید انتظار داشت که گذار اتفاق بیافتد. رشد امکانات طبیعی، اصلاح توزیع اجتماعی، طبقاتی و جنسیتی مجموعه امکانات مالی، فیزیکی، آموزشی و بهداشتی، برنامه ریزی برای جهت دادن به تغییر و تحولات اجتماعی و، مهم تر از همه، داشتن تعریف یا تعاریفی صحیح از جامعه، فرد، پیشرفت، وضع مطلوب یا نامطلوب و... شرطهای لازم برای این گذارند. اندازه گیری کیفیت این گذار و سنجش موقعیت آن در هر لحظه از زمان نیازمند ملاکها و معیارهایی است که میزان کارکرد و کیفیت عملکرد اجزای مختلف نظام اجتماعی را اندازه گیری کنند. این ملاکها و معیارها را شاخصهای اجتماعی می نامیم.

1) شاخصهای اجتماعی ایران در گزارش ملی توسعه انسانی

آیا شاخصهای اجتماعی ایران در سالهای اخیر روند صعودی نشان می دهند یا نزولی؟ آیا تغییر محسوس در شاخصهای اجتماعی ایران به وجود آمده است؟ چه ارتباطی بین سیاست آزادسازی اقتصادی و کاهش دخالت دولت در حوزه رفاه از یک سو و شاخص های اجتماعی ایران از سوی دیگر وجود دارد؟ واقعیت این است که، به دلایل متعددی، پاسخ دقیق به این

پرسش‌ها چندان آسان نیست . کمبود نظام آمار و اطلاعات، دشواری تعریف و اندازه گیری، فقدان اجماع نظری و متناقض بودن برخی شواهد با یکدیگر از جمله دلایل دشواری کار است . اما به رغم این دشواری، تلاش‌های زیادی برای تولید داده ها و کمی کردن شاخص های اجتماعی در سال های اخیر صورت گرفته است. یکی از برجسته‌ترین این تلاش‌ها «اولین گزارش توسعه انسانی ایران» است که آمارهای زیادی از روند توسعه انسانی و اجتماعی ایران در دهه 137۶-13۶7 (1988-1998) ارائه می‌کند (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، 1378). * آمارهای این گزارش که با مراجعه به انبوهی از منابع داخلی و چند منبع خارجی جمع آوری و پردازش شده اند، در مجموع، تصویری دلگرم کننده و چشم اندازی روشن از روند توسعه انسانی در دهه مزبور پیش روی خواننده قرار می‌دهند.

جدول 1- شاخص توسعه انسانی ایران

137۶	137۵	137۴	1373	1372	1371	1370	13۶9	13۶8	13۶7
/7۵8	/7۶2	/7۵9	/7۶1	/7۶0	/7۶7	/73۶	/711	/۶۵8	/۶۴2
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0

* ذکر این نکته لازم است که هرچند موضوع گزارش م زبور شاخص‌های انسانی است، برخی از شاخص های اندازه گیری شده در آن در محاسبات مربوط به شاخص های اجتماعی هم به کار گرفته می‌شوند.

بر اساس روش توصیه شده برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، اجزای شاخص توسعه انسانی عبارت اند از: امید به زندگی در بدو تولد، میزان باسوادی بزرگسالان، نسبت ترکیبی ثبت نام ابتدایی و متوسطه و دبیرستان، و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP\$)*. پس از محاسبه شاخصهای مزبور، سه نماگر ترکیبی امید به زندگی، شاخص آموزش و شاخص تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. شاخص توسعه انسانی میانگین غیروزنی این سه شاخص است. با نگاهی به اجزای فوق می توان دریافت که همسو با رشد مداوم شاخص توسعه انسانی ایران در دهه مزبور، رشد کلی اجزای شاخص توسعه انسانی در همان دهه (به استثنای شاخص تولید ناخالص داخلی که در نیمه اول دهه افزایش و در نیمه دوم آن کاهش نشان می دهد) مثبت بوده است. یادآوری این نکته لازم است که حتی شاخص تولید ناخالص داخلی، به رغم روند نزولی در نیمه دوم دهه، در طول دهه مزبور به طور کلی رشد کرده است.

* Purchasing Parity Power

جدول 2- رشد اجزای شاخص توسعه انسانی ایران
(1376-74)

متوسط میزان رشد*	میزان کلی رشد در طول دهه (درصد)	سال		شاخص
		1376	1377	
1/3	12/82	69/5	6/61	امید به زندگی در بدو تولد**
3	30/47	74/5	57/1	نرخ رشد باسواد بزرگسالان***
1/4	14/32	75	6/65	نرخ ترکیبی نسبت ثبت‌نام ناخالص
4	56/40	5222	3715	تولید ناخالص واقعی سرانه به دلار****
4	56/40	5222	3715	تولید ناخالص سرانه تعدیل‌شده
2/1	21/63	0/742	0/610	شاخص امید به زندگی
2/5	24/7	0/742	0/599	شاخص آموزش
0/96	9/63	0/785	0/716	شاخص تولید ناخالص داخلی
1/8	18/06	0/758	0/642	شاخص توسعه انسانی

مأخذ: «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران» 1378

* با فرض خطی بودن روند رشد

** به سال

*** به درصد

*** براساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP)

جدول 2 نشان می دهد که مجموعه اجزای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی ایران در طول دهه 1376_1367 به طور کلی رشد کرده است. در این میان، رشد تولید ناخالص واقعی سرانه (56/40)، نرخ باسوادی بزرگسالان (30/47) و شاخص آموزش (24/7) برجسته تر است. همان طور که پیشتر گفته شد، شاخص تولید ناخالص داخلی، به رغم نوسان در نیمه دهه مورد نظر، به طور کلی رشد کرده است. تأکید بر همسویی کلی بین شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص سرانه در جدول دیگری نشان داده شده است.

جدول 3- همسویی کلی بین شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص سرانه*

سال	1367	1368	1369	1370	1371	1372	1373	1374	1375	1376
شاخص توسعه انسانی	0/642	0/658	0/711	0/736	0/767	0/760	0/761	0/759	0/762	0/758
تولید ناخالص سرانه	2505	2537	2297	3015	3147	3246	3189	3094	2996	3041
رشد سالانه تولید ناخالص	11/2	1/3	-9/5	31/3	4/4	3/1	-1/8	-3	-3/2	1/5

										سرانه
										رشد متوسط تولید ناخالص هر سران ه
									3/45	

مأخذ: «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران»، 1378

* ذکر این نکته لازم است که عنوان جدول در متن اصلی چنین است: روند تحول شاخص توسعه انسانی و درآمد سرانه پیام ضمنی همخوانی رشد مشهور شاخص توسعه انسانی ای ران از 0/6۴2 به 0/7۵8 در دهه (1376_1367) با رشد متوسط 3/۴۵ درصدی تولید ناخالص سرانه توجه دادن خواننده به ارتباط مثبت عوامل درآمدی و شاخص‌های انسانی و اجتماعی است. چنین برداشتی از وجود میان رشد اقتصادی و توسعه انسانی، اولاً، متأثر از دیدگاهی است که براساس آن بین رشد و توسعه چندان تفاوتی وجود ندارد. ثانیاً، به دلیل دشواری اندازه گیری متغیرهای غیراقتصادی، به سادگی نمی توان آنها را در محاسبات مربوط به ارتباط متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی وارد کرد. اما رشد متغیرهای انسانی، که نتیجه سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و بهداشتی است، تا چه حد در شاخص‌های اجتماعی ایران تأثیر داشته است؟ بحث نظری در این باره به سادگی امکان پذیر نیست زیرا همانگونه که پیشتر گفته شد، به فرض

آنکه توانایی‌ها و امکانات فردی تک تک افراد جامعه بهبود پیدا کرده باشد، نمی‌توان انتظار داشت که به صرف سرمایه‌گذاری‌های انسانی، عملکرد زندگی اجتماعی که یک کل است نیز بی‌هیچ واسطه‌ای بهبود پیدا کند. اینکه چگونه می‌توان از افراد به جامعه گذر کرد، شاید از دشوارترین پرسش‌های نظری در علوم اجتماعی باشد که پاسخ به آن نه در حوصله این مقاله است و نه در صلاحیت نگارنده. به همین دلیل شاید بهتر باشد که با فرض تأیید آمار و ارقام مندرج در گزارش توسعه انسانی ایران (1367-1376) از زاویه دیگری به بازنگری گزارش مزبور بپردازیم. مقایسه وضعیت توسعه انسانی در ایران با شاخص‌های جهانی مقدمه‌ای بر این بازنگری است.

2) توسعه انسانی ایران و مقایسه‌های جهانی

به نظر می‌رسد که مقایسه جهانی نقطه شروع مناسبی برای ارزیابی جامع تر وضعیت شاخص‌های انسانی و اجتماعی ایران باشد. در عصر جهانی شدن که پیامدهای عینی آن ادغام اقتصادی، گسترش و نفوذ روابط و هنجارهای فرهنگی، کمرنگ‌تر شدن مرزهای سیاسی و لزوم تعریف مجدد نقش دولت و بالاخره آشنایی روزافزون شهروندان ساکن در یک محدوده سیاسی با آنچه در محدوده‌های دیگر می‌گذرد است،

چنین مقایسه ای گریزناپذیر به نظر می رسد. برای آنکه سخن به درازا نکشد، مستقیماً به سراغ گزارش توسعه انسانی سال 2002 (HDR, 2002) می‌رویم. براساس گزارش مزبور، در بین 173 کشور جهان، رتبه توسعه انسانی ایران که به کمک ترکیبی از متغیرهای جدول 2 این مقاله اندازه‌گیری می‌شود 98 است. در این گزارش نشان داده شده است که نروژ با شاخص توسعه انسانی 0/942 در رده اول جهان در سال 2002 و سیرالئون با شاخص توسعه انسانی 0/275 در رده آخر جهان قرار دارد. بنابراین، ایران به لحاظ شاخص توسعه انسانی تقریباً در میانه کشورهای جهان قرار می‌گیرد. (HDR, 2002: 149-152) نکته دیگر درخور توجه در گزارش مزبور تفاوت رتبه تولید ناخالص سرانه (براساس شاخص برابری قدرت خرید به دلار) و رتبه شاخص تولید انسانی است. این تفاوت در مورد ایران 22- است، بدین معنا که رتبه تولید ناخالص سرانه ایران 22 رتبه بالاتر از رتبه شاخص انسانی کشورمان است. به دیگر سخن، رتبه شاخص انسانی کشورمان 22 مرتبه پایین‌تر از رتبه تولید سرانه آن است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که دلیل این اختلاف فاحش چیست؟ با توجه به اینکه ایران در رده 98 توسعه انسانی قرار دارد، با یک جمع و تفریق ساده می‌توان نتیجه گرفت رتبه ایران از حیث تولید ناخالص سرانه در بین 173 کشور جهان 76

(22-98) است. تفاوت بین رتبه نروژ از حیث تولید ناخالص سرانه و شاخص تولید انسانی +2 و در مورد سیرالئون صفر است. تفاوت بین دو رتبه فوق در چند کشور در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۴- تفاوت رتبه شاخص‌های توسعه انسانی و درآمد سرانه در برخی کشورها

نام کشور	تفاوت رتبه	نام کشور	تفاوت رتبه
نروژ	+2	کویت	-10
سوئد	15+	امارات م‌تحدة عربي	-19
امريکا	-۴	قطر	-2۵
آلمان	-2	ونزوئلا	10
کره جنوبي	+1	آنگولا	-3۶

مأخذ: HDR, 2002

قضاوت آماری در مورد الگوی حاکم بر اعداد و ارقام نشان‌دهنده این اختلاف است و مهمتر از آن، نتیجه‌گیری از وجود چنین اختلافی کاری نه چندان آسان. با این حال، تذکر ضمني گزارش توسعه انسانی سال 2002 را نیز نباید نادیده گرفت. تأکید تهیه‌کنندگان این گزارش بر محاسبه اختلاف بین رتبه شاخص‌های انسانی و رتبه شاخص‌های درآمد یا تولید سرانه ملی حکایت از آن دارد که به سادگی نمی‌توان و نباید قدرت تولید ملی و درآمد

ایجاد شده از آن را معادل بهره‌مندی شهروندان هر جامعه از مجموع توانایی‌ها و امکاناتی دانست که آن جامعه می‌تواند در اختیارشان قرار دهد. اگرچه در مورد متغیرهایی مثل امید به زندگی شاید ویژگی‌های قومی، نژادی و جغرافیایی مؤثر باشند، برقرار نبودن تناظر یک به یک بین توان اقتصاد و ویژگی‌های جامعه انسانی متناظر با آن اقتصاد نشان‌دهنده آن است که الگوی ترجمان توان اقتصادی به توان انسانی خطی و ساده نیست.

3) گذر از شاخص‌های انسانی به شاخص‌های اجتماعی

اگر با پرهیز از ورود به بحث‌های نظری جامعه‌شناسانه، جامعه را محلی برای تعامل افراد معرفی کنیم، آنگاه می‌توانیم به کمک متغیرهایی که خصلت فردی آنها کم تر است و بیش تر به جمع تعلق می‌گیرند، در مورد کیفیت عملکرد اجتماعی قضاوت دقیقی داشته باشیم، برای مثال، شاید بتوان میزان رضایت مندی نخبگان هر جامعه از زندگی در آن جامعه را به کمک آمار مهاجرت آنان تخمین زد. همچنین شاید بتوان با مراجعه به آمار طلاق، میزان سستی یا استحکام واحد خانواده را در جامعه اندازه گرفت. همچنین آمار مربوط به شورش‌های شهری، اعتصابات، اعتیاد و ایدز (در حکم دو متغیری که هم خصلت فردی و هم خصلت و پیامد

اجتماعی دارند) نیز برخی ویژگی‌های اجتماعی هر جامعه را نشان می‌دهد. کار کودکان، تعداد کودکان خیابانی، اسکان غیررسمی، خشونت‌های خانوادگی (که ممکن است در آمار طلاق مستتر باشند یا نباشند)، قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و دختران و نیز پایین آمدن سن فحشا و اعتیاد به مواد مخدر از جمله متغیرها و شاخص‌هایی هستند که توجه به آنها پرسش‌هایی را در مورد ابعاد واقعی تر توسعه انسانی در ایران برمی‌انگیزد. از آنجا که متأسفانه آمار و ارقام رسمی در مورد متغیرهای ذکر شده وجود ندارد، برای پرهیز از هرگونه گمانه‌زنی، به طرح پرسش‌هایی به شرح زیر اکتفا می‌کنیم:

- در سال‌های اخیر، در نشریات، سمینارهای علمی و گزارش‌های کارشناسی مستقل، در مورد ابعاد نگران‌کننده برخی شاخص‌های اجتماعی ارائه شده است. با این حال، برخی گزارش‌های رسمی، از جمله گزارش توسعه انسانی ایران، تصویری مثبت از روند توسعه انسانی در ایران ارائه می‌کنند. آیا اصولاً می‌توانیم روند مثبت توسعه انسانی را (با فرض قبول تعاریف، روش‌ها و آمار و ارقام گزارش توسعه انسانی ایران) نشانه و دلیل صحت نداشتن آمار و ارقام نگران‌کننده برخی شاخص‌های اجتماعی ایران (مثل اعتیاد و ایدز، فحشا، مهاجرت نخبگان،

قاجاق زنان و دختران، اسکان غیررسمی، و طلاق*) بدانیم؟ یا اینکه باید به وجود دو عرصه جداگانه توسعه انسانی و اجتماعی قائل باشیم؟

- گزارش مزبور تا سال 1376 را پوشش می‌دهد. آیا پس از آن نیز روند شاخص‌های انسانی ایران همچنان مثبت بوده است؟

- اگر فرض کنیم که برخی متغیرهای اجتماعی در ایران روند نزولی طی می‌کند، آیا می‌توان رابطه‌ای بین سیر نزولی این متغیرها و سیر صعودی برخی دیگر از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی برقرار کرد؟

- آیا توزیع جغرافیایی امکانات اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف ایران یکسان است؟ به عبارت دیگر، آیا برخی ناموزونی‌ها بی‌ن‌اجزای مختلف شاخص کلی توسعه انسانی (که گاه در شاخص‌های اجتماعی هم تکرار می‌شوند) و شاخص‌های اجتماعی به توزیع ناموزون جغرافیایی امکانات اقتصادی و اجتماعی در ایران باز نمی‌گردد؟
- توزیع فضایی شاخص‌های انسانی و اجتماعی بین شهر و روستا همگن است یا ناهمگن؟

*. در مورد طلاق مسئله کمی فرق می‌کند، زیرا آمار و ارقام رسمی در این مورد منتشر می‌شود.

• آیا برخی از موارد یاد شده، مثل اختلافات خانوادگی، طلاق و مهاجرت نخبگان را می توان نشانه ای از افت کلی وضعیت اجتماعی قلمداد کرد؟ آیا حتی اگر آمار و ارقام مستندی درباره این پدیده ها وجود داشته باشد، می توان رشد آنها را نشانه عقبماندگی و توسعه نیافتگی اجتماعی دانست؟ یا اینکه این پدیده ها را باید صرفاً نشانه برخی نوسانات در روند توسعه اجتماعی و نه الزاماً افت کلی آن تعبیر کرد؟ پیش از پاسخ به این سؤالات بهتر است در منطق برخی شاخص های متداول توسعه اجتماعی تأمل کنیم.

4) شاخص های متعارف توسعه اجتماعی

برخی شاخص های متعارف توسعه اجتماعی به شرح زیرند: (www.Ciesin.org)

4-1) میزان باروری

تعداد متوسط فرزندانی که هر زن در طول دوران حیات خویش زنده به دنیا می آورد. از آنجا که جمعیت اصلی ترین پایه تشکیل اجتماع است و باروری و زاد و ولد یگانه سازوکار تشکیل جمعیت است*،

* با فرض آنکه شبیه سازی فعلاً در مقیاسی گسترده امکان پذیر نباشد.

میزان باروری می‌تواند شاخصی برای اندازه‌گیری توان بالفعل جامعه برای تولید جمعیت باشد؛ ضمن آنکه بالا بودن این شاخص هشدار است در این باره که آیا منابع طبیعی، امکانات تولیدی و سازماندهی موجود اجتماعی پاسخگوی نیازهای این جمعیت هست یا نه.

2-4) میزان مرگ و میر کودکان

تعداد نوزادانی که در هر هزار تولد زنده قبل از رسیدن به سن یک سالگی می‌میرند. مرگ و میر کودکان می‌تواند جریان تولید جمعیت را در سرچشمه خشک‌کند، پس میزان آن مهم است.

3-4) امید به زندگی در بدو تولد

تعداد سال‌هایی که هر کودک تازه متولد شده زنده خواهد ماند اگر الگوی موجود مرگ و میر در بدو تولد آن کودک در طول زندگی او بدون تغییر باقی بماند. زادوولد و تولید جمعیت به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه جریان تولید جمعیت نیز باید پایدار باشد. امید به زندگی در بدو تولد پایداری سازوکار تولید جمعیت را اندازه‌گیری می‌کند.

4-4) نسبت جمعیت شهری

نسبت جمعیت ساکن در شهرها به کل جمعیت . به نظر می‌رسد ذکر این شاخص به عنوان یکی از اجزای شاخص توسعه اجتماعی به این ایده بازمی‌گردد که شهرها محل اصلی تولید ثروت‌اند (هر چند سهم بخش کشاورزی نیز بسیار مهم است) و از امکانات بیشتری برخوردارند، کارایی تولید و مصرف در آنها بالاست و به هر حال شهر نشانه تمدن و تجدد است.

4-5) تولید سرانه غذا

تولید سالانه کالاهای غذایی که متناسب با میزان رشد جمعیت تعدیل شده باشد . این شاخص، مواد غذایی مصرفی حیوانات و دانه های غذایی مورد استفاده در تولید کشاورزی را شامل نمی‌شود. پرواضح است که این شاخص نشانه توان کلی جامعه برای تولید مستقل مایحتاج خود است.

4-6) نیروی کار کشاورزی

نیروی کار شاغل در بخش زراعت، جنگل داری، صید و ماهیگیری. این شاخص، نسبت به کل نیروی کار، نشان‌دهنده سهمی است از نیروی کار که جامعه برای تولید مواد غذایی و مایحتاج اولیه خود کنار گذاشته است. این شاخص در ارتباط با شاخص تولید سرانه غذا قابل فهم‌تر است.

4-7) نیروی کار زنان

نسبت نیروی کار زنان به کل نیروی کار . از آنجا که بر طبق آموزه ای مدرن، زنان از حقوق خاص خود برخوردارند و یکی از مؤلفه‌های این حقوق، حق کار است، نسبت نیروی کار زنان می تواند حاکی از میزان تحقق عملی این آموزه باشد . در سطح عینی‌تر، از آنجا که زنان بخش قابل توجهی از افراد جامعه را تشکیل می دهند، نسبت نیروی کار زنان می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که جامعه مورد نظر تا چه حد توانسته بخشی از نیروی کار بالقوه خود را وارد عرصه کار و اشتغال کند.

4-8) میزان ثبت‌نام ابتدایی

میزان ثبت‌نام ناخالص در سطح ابتدایی (فارغ از اینکه سن ثبت‌نام کننده چقدر است) به کل جمعیتی که در سن ثبت‌نام ابتدایی قرار دارند.

4-9) میزان ثبت‌نام متوسطه

به شیوه ای مشابه با ثبت نام ابتدایی محاسبه می‌شود و دانش‌آموزانی را که در مدارس متوسطه فنی و حرفه ای و مراکز تربیت معلم نیز ثبت نام کرده‌اند در بر می‌گیرد.

در جدول زیر روند تغییرات شاخص های فوق الذکر از سال 1367 تا سال 1380 نشان داده شده است.

جدول ۵- میزان تغییر برخی شاخص‌های متداول توسعه اجتماعی ایران (80 - 13۶8)

درصدتغییر (متوسط)	سال				متغیر
	1380	137۵	1370	13۶7	
-23	2/۶	3	۴/9	۵/9	نرخ باروری
-23	3۵	31/7	۵0/2	۵/۶3	نرخ مرگومیرکودکان(در هر هزارتولد زنده)
۴	۶9	۶9/2	۶۴/7	۶/۶1	امید به زندگی در بدو تولد
7	۵/۶۴	۶1/3	۵7	۵۴/3	نسبت جمعیت شهری
1۶	—	3۵0۵	3018	2۶12	عرضه سرانه کالری روزانه
-9	21/۴	23	2۴/۵	29	نسبت نیروی کار کشاورزی
18	1۴/۵	12/1	9/۴	8/9	نسبت نیروی کار زنان
-1	—	119/1	133/8	122/۵	نسبت ثبت‌نام ابتدایی
2	—	7۶/8	۶1/7	۵2/7	نسبت ثبت‌نام متوسطه

مأخذ: «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران»، مرکز آمار ایران، بانک داده‌های شاخص‌های بانک جهانی
 با توجه به اعداد و ارقام جدول ۵ می‌توان گفت که تغییر روند شاخص‌های متداول توسعه اجتماعی ایران به طور کلی امیدوارکننده است زیرا:
 الف) کاهش میزان باروری نتیجه اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های مهار جمعیت است. کاهش نیزان متوسط رشد جمعیت از 2/۴6 در فاصله

سال‌های 1370-1367 به $1/47$ در فاصله سال‌های 1376-1380 و ادامه کاهش آن به $1/5$ در سال 1381 مؤید این ارزیابی است.

ب) کاهش میزان مرگ و میر به میزان 23 درصد مبین موفقیت سیاست‌های بهداشتی در دهه‌های 1360 و 1370 است. افزایش امید به زندگی در بدو تولد در تعیین این راستا قابل تغییر است.

ج) افزایش نسبت جمعیت شهری، همسو با کاهش نسبت نیروی کار کشاورزی، حکایت از تداوم روند مهاجرت از روستا به شهر دارد. ادامه این روند را باید به منزله افت کیفیت زندگی در روستا دانست.

د) کاهش نسبت ثبت نام ابتدایی، با توجه به تعریف آن، الزاماً به معنای کاهش ثبت نام کودکان در دوره سنی ابتدایی در دبستان‌ها نیست، بلکه می‌تواند به معنای کاهش ثبت نام دانش آموزان ابتدایی با سن بالاتر در این مقطع باشد. تغییرات هرم سنی ایران به نحوی است که در حال حاضر ظرفیت‌های فیزیکی در دوران ابتدایی جوابگویی کودکان آماده ثبت‌نام در این مقطع است. افزایش ثبت‌نام متوسطه نیز با توجه به تغییرات هرم سنی جمعیت قابل توضیح است.

5) برخی زوایای ناکاویده شاخصهای اجتماعی ایران

آیا تصویر مثبتی که جدول ۵ ارائه می‌کند کافی است تا از ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی در ایران مطمئن باشیم؟ آیا به صرف اتکا بر روندهای امیدوارکننده جمعیتی، کار و اشتغال، تغذیه، آموزش و بهداشت می‌توان با اطمینان قضاوت کرد که کیفیت عملکرد نظام اجتماعی در ایران افزایش یافته است؟ پیش از پاسخ به این پرسش بهتر است به برخی شاخصهای دیگر نیز توجه کنیم:

جدول ۶- روند برخی نابسامانیهای اجتماعی

متوسط درصد رشد ^۶	1380	1379	1378	1377	137۶	137۵	137۴ ^۲	1373 ^۲	سال متغیر
13	1۵1911 3	1323۴7 8	11۶7۶ 7۵	103993 8	9۶9982	820۶77	727۵3 1	131۶1 9	پرونده های مختومه در دادگاه ^۱
1۴	13۴۶1 3	120۵38	110170	99۶۶2	91313	۶9377	۶137۶	9839	پرونده های مختومه طلاق
3/8	۶20۴8	۵3097	۵۶3۵۵	۶0۵97	۵7109	۵۵319	۵02۴۴	۵18۶9	دستگیرشدگان جرایم ^۳
1/9۵	327۵	27۴9	2708	2797	28۶8	2818	297۶	3۴79	خودکشی ^۴
2/9	11193۶	188379	2027۵1	139133	1۵۶22 1	1۶38۵ ۵	1892۶ 7	13۵90 ۶	انواع مواد مخدر کشف شده ^۵

- 1- شامل قتل‌عمد، ایراد ضرب و جرح، اختلاس، ارتشاء و جعل، سرقت، صدور چک بلامحل
مأخذ: دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دفتر آمار و پردازش داده‌ها (سال 1373 در محاسبه لحاظ نشده است)
 - 2- آمار ارائه‌شده فقط هشت ماه آخر سال 1373 را پوشش می‌دهد.
مأخذ: دادگستری جمهوری اسلامی ایران (سال 1373 در محاسبه لحاظ نشده است).
 - 3- مأخذ: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت طرح و برنامه و بودجه، اداره آمار
 - 4- مأخذ: پرونده‌های تشکیل شده در مورد اقدام به خودکشی در حوزه استحقاقی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
 - 5- مأخذ: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اعداد به کیلوگرم هستند).
 - 6- با فرض ثابت بودن روند تغییر در طول دوره (فرض خطی بودن روند)
- تفسیر و تغییر اعداد و ارقام مندرج در جدول 6 بدون در نظر گرفتن نتایج جداول قبلی چندان حساسیت‌برانگیز نیست. به سادگی می‌توان در طول سال‌های 1373 تا 1380 روند رشد برخی از نابسامانی‌های اجتماعی را مثبت ارزیابی کرد. چنین تفسیری البته مبتنی بر غفلت از برخی تعاریف و چشم پوشیدن از ویژگی اصلی جامعه به

مثابه يك كل است . اگر جامعه را مجموعه اي از سازمان‌ها، روابط و نهادهاي مرتبط به هم بدانيم، چگونه مي‌توانيم از وجود روندهاي متناقض در آن چشم‌پوشي كنيم يا احياناً درصدد توجيه آن روندها برآييم؟ پرسش اصلي ما اين است كه چگونه به رغم رشد مثبت همه شاخص‌هاي متداول انساني و اجتماعي، برخي از مهم‌ترين شاخص‌هاي اجتماعي نظير طلاق كه مابين استحکام يا سستي نهاد خانواده است روند نزولي، آن هم با سرعتي نگران‌كننده را نشان مي‌دهد. اگر روند شاخص‌هاي آموزش مثبت است (جدول 2)، چرا نتيجه ارتقاي آموزش در کاهش پرونده‌هاي مختومه در دادگاه متجلي نمي‌شود؟ اگر شاخص اميد به زندگي روز به روز رو به بهبود است، افزايش ميزان خودكشي‌ها را چگونه بايد توجيه كرد؟ ارتباط بين رشد درآمد سرانه و افزايش مواد مخدر كشف شده را چگونه بايد تفسير كرد؟ در پاسخ به چنين سؤالاتي مي‌توان نقدهاي كلي زير را مطرح كرد:

الف) سازوكارهاي اجتماعي بسيار پيچيده اند؛ بنابراین، طرح چنين پرسش‌هايي كه پاسخ دقيق به آنها منوط است به برقراري ارتباط نظري بين مفاهيم نه چندان روشن كاري است عبث و بيهوده؛

ب) در محاسبه شاخص‌هاي توسعه انساني و اجتماعي و شاخص‌هاي نابساماني‌هاي اجتماعي، متغير به

اندازه کافی در نظر گرفته نشده است. به عبارت دیگر اگر از متغیرهای بیشتری استفاده می‌شد، احتمالاً چنین همسویی‌هایی بین روند مثبت شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی از یک طرف و شاخص‌های نابسامانی‌های اجتماعی از طرف دیگر مشاهده نمی‌شد؛

ج) طول دوره‌های زمانی مورد استفاده آن قدر زیاد نیست که بتوان از آن استنتاج آماری معتبر کرد؛

د) جرم و جنایت، طلاق، اعتیاد و... جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی اند و میزان باروری، آموزش، میزان مصرف کالری، نسبت شهرنشینی، نسبت کار زنان و... بخش‌های دیگر آن. به دلیل کثرت ابعاد زندگی فردی و همچنین چند بُعدی بودن پدیده‌ای به نام جامعه، نباید درصدد مقایسه شاخص‌های مختلف اجتماعی برآمد. هر یک از این شاخص‌ها فقط یک یا چند جنبه از جنبه‌های متکثر جامعه و زندگی اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کنند. سرجمع کردن (aggregation) این جنبه‌ها امکان‌پذیر نیست. در واقع، ناهمخوانی این شاخص‌ها فقط نشانه آن است که برخی جنبه‌های اجتماعی مثبت و برخی منفی است و هیچ نتیجه‌گیری دیگری امکان‌پذیر نیست. شاید بتوان در جواب به این نقدها پاسخ‌های ذیل را مطرح کرد:

الف) پیچیده بودن سازوکارهای اجتماعی نباید مانع از تلاش ما برای پیشرفت نظری در زمینه درک این سازوکارها شود؛

ب) به نظر می‌رسد اگر متغیرهای بیشتری در نظر گرفته شود نیز نتیجه چندان تفاوتی نخواهد کرد. خوانندگان علاقه مند می‌توانند متغیرهایی مثل شورش‌های شهری، اعتصابات، مهاجرت نخبگان، افسردگی جوانان و بی‌نشاطی آنان، و ترک تحصیل را در طرف نابسامانی‌های اجتماعی و متغیرهایی همچون تعداد ورزشگاه‌های ساخته شده، سرمایه گذاری‌های آموزش عالی، رشد تعداد دانشجو، و رشد تعداد استاد را در طرف شاخص توسعه انسانی وارد کنند. هرچند در مورد متغیرهای نخست (شورش‌های شهری، اعتصابات و...) متأسفانه آمارهای مستندی ارائه نمی‌شود، حداقل در سطح آمارهای غیر رسمی اعلام نشده از طریق اخبار روزنامه‌ها و حتی رادیو و تلویزیون نتیجه بحث چندان تغییر نخواهد کرد؛

ج) اگرچه طول دوره زمانی مورد بحث (حداکثر دوره چهارده ساله 1367_1380) به لحاظ آماری چندان مقبول نیست، باید توجه داشت که درون مایه اصلی بحث ما «گذار اجتماعی» است، نه «ثبات ساختارهای اقتصادی و اجتماعی». برای استخراج الگوی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، به دوره‌های زمانی طولانی‌تری احتیاج داریم تا بتوانیم مدعی

خود را اثبات کنیم، اما در این بحث ما فقط به دنبال نشان دادن تغییر یا گذاری هستیم که به نظر می‌رسد با سرعتی چشمگیر در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایرانیان در حال وقوع است؛

د) هرچند ساختن و تعریف یک شاخص که بتواند به نحو کلی (aggregate) مبین وضع اجتماعی باشد در سطح فعلی دانش نظری اجتماعی غیرممکن می‌نماید، اما ذکر شاخص‌های مختلف و توجه دادن به همسو بودن یا نبودن روند آنها الزاماً به معنای دعوت به سرجمع‌کردن شاخص‌ها نیست. بلکه می‌تواند دعوتی باشد به دست شستن از ساده‌انگاری و پرهیز از دلخوش کردن خود به چند عدد و رقم ساده!

پرسش اصلی مقاله این است که آیا به صرف افزایش روند مصرف کالری روزانه، کاهش میزان باروری، افزایش میزان اشتغال زنان و متغیرهایی از این دست می‌توان گفت که زندگی اجتماعی ایرانیان رو به بهبود است؟ پاسخ به برخی جنبه‌های این پرسش‌چندان دشوار نیست. برای مثال، منابع غنی جامعه‌شناسی شهری آکنده از نظریه‌ها، مشاهدات آماری، تحقیقات موردی و، به طور کلی، داده‌ها و اطلاعاتی است که نشان می‌دهند بین افزایش شهرنشینی و رشد جنایات و جرایم رابطه معناداری وجود دارد. اما آیا در مورد ارتباط بین تک‌تک شاخص‌های دیگر هم چنین مطالعات واضحی

وجود دارد؟ چگونه می‌توانیم با استناد به روند دلگرم‌کننده شاخص‌های انسانی و اجتماعی از نخبگان بخواهیم که از مهاجرت به خارج از کشور منصرف شوند؟ چگونه می‌توانیم با استناد به کاهش میزان باروری که به معنای کاهش بار تکفل خانواده هاست از متقاضیان طلاق بخواهیم به فکر آشتی باشند؟ آیا افزایش درآمد ملی الزاماً به معنای افزایش فرصت‌های شغلی شرافت‌مندانه است؟ چنین پرسش‌هایی البته مبتنی بر ارزش داورانند، اما آیا تأکید ضمنی بر ارتباط میان افزایش شاخص توسعه انسانی و رشد تولید ناخالص سرانه متضمن هیچ گونه ارزش‌دآوری نیست؟ آیا وقت آن نرسیده است که دست از ساده‌انگاری در تحلیل‌های اجتماعی برداریم؟

6) نتیجه‌گیری

شاخص‌های اجتماعی معیارهایی را برای اندازه‌گیری جنبه‌های مختلف وضعیت اجتماعی ارائه می‌کنند. براساس گزارش توسعه انسانی ایران از یک سو و استخراج شاخص‌های مرسوم اجتماعی از سوی دیگر، تصویری دلگرم‌کننده از پتانسیل‌های انسانی و اجتماعی ایران به دست می‌آید. اما از منظر دیگری به نظر می‌رسد که باید با احتیاط بیشتری با روند صعودی شاخص‌های مرسوم برخورد کرد. چرا که گسترش واقعیاتی همچون طلاق، مهاجرت نخبگان، اعتیاد،

ایدز، جرایم و تخلفات به نگرانی هایی در مورد توان اجتماعی و انسجام یکپارچگی جامعه ایرانی و زیرمجموعه‌های آن دامن می‌زند. آمار و ارقام مطرح شده در این مقاله را نه باید به معنای اثبات تام نگران‌کننده بودن وضعیت اجتماعی ایران دانست و نه به معنای کاملاً دلگرم کننده بودن آن. هدف این مقاله، همان طور که در چکیده آن آمده است، صرفاً دعوتی است به پرهیز از ساده انگاری در ارزیابی وضعیت اجتماعی.

- 1- جزایری، علیرضا . (1381) . «نگاهی به وضعیت بازار مواد مخدر در ایران و سایر کشورها»، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۵.
- 2- رئیس دانا، فریبرز و همکاران . (1379). فقر در ایران (مجموعه مقالات) . تهران : انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی.
- 3- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سازمان برنامه و بودجه سابق) . (1378) . «اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران».
- 4- محسنی تبریزی، علیرضا . (1380) . «بررسی وضعیت کودکان بی سرپرست در ایران». فصلنامه تأمین اجتماعی. شماره 9.
- 5- مرکز آمار ایران . سالنامه آماری کشور . سالهای مختلف .
- 6- معینی، نجم رضا . (1381) . «سیاست اجتماعی - سیاست اقتصادی». فصلنامه گفتگو، شماره 3۵.
- 7- “Human Development Report” (HDR), 2002. UNDP. Oxford University Press.
- 8- World Development Indicators, 2002.
- 9- www.ciesin.org. World Bank: Social Indicators of Development.